

این ایرانی همیشه زنده می ماند



احمد غلامی

زیر پوست ایران روح تازه‌ای در سیلان است. روح همبستگی که سالیان سال است شعله‌هایش خاموش شده یا به سردی گراییده بود. اما اینک این روح همبستگی یا روح جمعی احیا شده و در جای جای ایران چون موجی در حال سرایت است. این اتفاق برای سرزمینی که دولت‌هایش همواره بر فردگرایی تأکید کرده‌اند و با همین ایده اقتصاد نولیبرالی را پی گرفته‌اند، بسیار شگفت‌انگیز است. چندین دهه است که در ایران کار جمعی معنای خودش را از دست داده بود و اگر اغراق نباشد می‌توان گفت نوعی منفعت‌طلبی، جاه‌طلبی و فرصت‌طلبی به بیزاری از یکدیگر انجامیده بود. برای اثبات این مدعا نیاز به مثال نیست. حتی در شهرستان‌ها و مناطقی که هنوز به شیوه‌ای قومی و قبیله‌ای زندگی می‌کنند روح جمعی کمرنگ شده و چه‌بسا خاموش شده بود.

همبستگی از عشق به همسایه آغاز می‌شود. در ضرب‌المثل‌های قدیمی رایج بود که می‌گفتند همسایه خوب بعد از مرگ همسایه‌اش ارث می‌برد. این سنت ایرانی حیرت‌انگیز است، چراکه ریشه‌ای‌ترین سنت مسیحی است که «همسایه‌ات را دوست بدار». من برای همسایه‌ام می‌جنگم و همسایه‌ام برای من و همه برای وطن. تمام کوچه پس‌کوچه‌های شهر ما پر است از اسامی همسایه‌هایی که برای محافظت و دفاع از یکدیگر کشته شده‌اند. اگر این روح جمعی، این جمع‌گرایی نبود، چگونه می‌شد هشت سال جنگید و از این سرزمین دفاع کرد. بگذریم که همسایگان باقی‌مانده آن روزها، هم فرزندانشان را از دست داده‌اند و هم رفقایشان را. مهم‌تر از همه اینکه در این چند دهه کسی در خانه‌شان را زنده که بگوید یادش بخیر: «رحمان، یحیی، اکبر و محمد» و هر کسی در پیله خود روزگار را به انزوا می‌گذراند.

این روزها شیشه انزوا می‌شکند و روح جمعی دوباره می‌شکفت. با این تفاوت عمیق که این همبستگی از نوع دیگری است: همبستگی آدمی برای آدمی و نه هیچ چیز دیگر. امروز همسایه‌ای از شهر می‌رود و کلید خانه‌اش را به همسایه می‌سپارد. باورکردنی نیست؛ چگونه چنین تغییر شگرفی یک‌شبه رخ داده است. مگر این آدم‌ها همان آدم‌هایی نبودند که به هم اعتماد نداشتند و برای چندرغاز شارژ ماهانه از هم حساب می‌کشیدند. دختر نوجوان همسایه که بیش از سه کلید در دست داشت می‌گفت من کلیددار این خانه‌ها شده‌ام. دیگری می‌گفت من باید غذای گربه‌های چند دوست را بدهم. عده‌ای هم خودخواسته در خدمت کهنسالان و بیماران هستند. این روح جمعی نشئت‌گرفته از اخلاق سنتی ایرانیان است که حتی بعد از ترویج اقتصاد و روابط رانتی از سوی سیاستمداران و سرمایه‌داران وطنی شعله‌هایش خاموش نشده است. /احساس می‌کنم/ در بدترین فداقایی این شام مرگ‌زای/ چندین هزار چشمه خورشید در دلم/ می‌جوشد از یقین؛/احساس می‌کنم/ در هر کنار و گوشه این شورورزای یاس/ چندین هزار جنگل شاداب/ ناگهان می‌روید از زمین/ آه ای یقین گم‌شده. ای ماهی گریز/ در برکه‌های آینه‌لغزیده تو به تو!/ من آبگیر صافی‌ام، اینک!- به سحر عشق،/ از برکه‌های آینه راهی به من بجو!... من بانگ برکشیدم از آستان یاس؛- آه آه یقین یافته، بازت نمی‌نهم!.

نمی‌دانیم این روزهای تلخ چقدر طول خواهد کشید و چه سرنوشتی در انتظار ما است. هرچه باشد، چه شیرین و چه تلخ، برای مردم ایران دستاورد بزرگی به همراه خواهد داشت: کنار هم ایستادن و به همدیگر عشق ورزیدن بی مزد و منت و به دور از هر سیاست. این ایرانی همیشه زنده می‌ماند.

سازمان آگهی‌های روزنامه‌شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

شنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۴	
۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۶	
۲۱ ژوئن ۲۰۲۵	
سال بیست‌ویکم	
شماره ۵۱۳۷	
۳۰ هزار تومان	
۸ صفحه	

«شرق»

در «شرق» امروز می‌خوانید:

شرق

روزنامه

نخستین دور گفت‌وگوهای تروئیکای اروپایی با وزیر امور خارجه ایران با رویکردی جدی برگزار شد

گفت‌وگو وزیر سایه جنگ



این گزارش را در صفحهٔ ۲ بخوانیدعکس: بهمن‌سهرابی

مردم ایران در واکنش به تجاوز اسرائیل با حضور پرشور در نماز جمعه و راهپیمایی پس از آن، پیام ایستادگی و انسجام ملی را به جهان مخابره کردند

خشم سراسری وحدت ملی

یادداشت

اقتصاد جنگ، تمهیدی در اقتصاد ایران



مراد راهداری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

اشاره‌ای به رویکرد اقتصاد جنگ در آمریکا داشته باشیم و بعد بازگردیم به ادامه بحث. از آنجا که اقتصاد آمریکا بازاری اشباع‌شده دارد؛ نه صادرات محصولات نهایی و نه واسطه‌ای و سرمایه‌ای، در اقتصاد جهانی که پر از رقابت است، در سطح مکفی نمی‌تواند معضل و نیاز طرف عرضه را از منظر تأمین تقاضا، برآورده کند؛ به‌همین‌دلیل بخشی از اقتصاددانان که عمدتاً وابستگی به حزب جمهوری‌خواه دارند، طرفدار جنگ‌افروزی در جهان و فروش تسلیحات و حتی مصرف تجهیزات نظامی از طرف ارتش آمریکا هستند تا این راهبرد کمک کند چرخ اقتصاد کشورشان بیشتر بچرخد و در رونق باشند. آنها از دیدگاه کبوترن‌ها بهره می‌برند که فرض می‌کند اقتصادشان از طرف عرضه معضل ندارد و معضل در طرف تقاضاست؛ آنها برای تقویت طرف تقاضا، سراغ جنگ‌سازی و فروش تسلیحات جنگی می‌روند. حتی خود را نیز درگیر جنگ می‌کنند. چرا؟ چون کبیز می‌گوید: برای تقویت طرف تقاضای اقتصاد، دولت می‌تواند پول دهد تا کارگران چاه بکنند و بعد پول دهد تا همان چاه‌ها را آنها پر کنند. ولی این کار را انجام دهد تا پول در سمت تقاضا تزریق شود. در نتیجه، اگرچه جنگ پدیده خوبی نیست، اما می‌تواند طرف تقاضا را برای تقویت عرضه، تقویت کند. متأسفانه اگر برای عبور از رکود لازم باشد، نظام سرمایه‌داری جنگ‌افروزی را جایز می‌داند.

تهاجم به افغانستان، عراق و بعضی جنگ‌های پیشین، که هریک به بهانه‌ای انجام شده‌اند، در دوره حاکمیت جمهوری‌خواه‌ها بوده‌اند و به منظور تقویت طرف تقاضا انجام شده‌اند. البته اتصال بازار خاورمیانه به بازار خود در برابر احتمال تصرف این بازار از طرف چین و هند نیز یکی دیگر از انگیزه‌های ورود به عراق و افغانستان بود. در اینجا قصد نقد و بررسی در شکست و موفقیت ایده آنها را نداریم. اما اقتصاد ایران، بیش از آنچه در طرف تقاضا معضل داشته باشد، در طرف عرضه دارد. حدود نیمی از جمعیت علاقه‌مند به اشتغال، بی‌کار هستند. تقریباً ۲۳ میلیون نفر شاغل و همین مقدار بی‌کار داریم. ممکن است جمعیت درخورتوجهی ظاهراً شاغل باشند، اما یا کاذب است یا پنهان، یا اشتغال آنها ناقص است. اقتصاد ایران صرف‌نظر از اینکه از سمت تقاضا ضعیف است و فقر در آن بیداد می‌کند، از سمت عرضه، معضل دارد و توان تولید بالقوه، به مراتب بیشتر از بالفعل است. تقریباً معادل همان جمعیتی که شاغل هستند، یعنی حدود ۲۳ میلیون نفر، به همان اندازه بی‌کار داریم که در تولید هیچ نقش مفیدی ایفا نمی‌کنند. یا کاملاً بی‌کار یا دچار بی‌کاری پنهان هستند، یا شغل کاذب دارند.

یکی از توجهات مهم در اقتصاد نظامی‌گری، توجه به کاربرد صحیح منابع انسانی است. سربازها باید تفکیک و تخصیص تخصصی یابند و هرز نروند. متخصصان مکانیک، برق و... هریک در جای خود به کار گرفته شوند. دراین‌میان ظرفیت فنی-مهندسی نیروهای نظامی، ظرفیت مالی

رهبان معظم انقلاب در دومین پیام تلویزیونی خطاب به ملت در پی تهاجم رژیم صهیونی به ایران:

ملت ایران در مقابل جنگ

و صلح تحمیلی محکم

می‌ایستد و تسلیم نخواهد شد

۲

برگزیده‌ها

فکر کردن درباره ایران در ایام جنگ

فراسوی گریز از تاریخ

۶

تهران در آستانه جالش‌های آینده

ضرورت فرماندهی یکپارچه شهری

۷

روایت یکی از ساکنان مجتمع مسکونی بزرگی در سعادت‌آباد که روز اول حملات تخریب شد

از شهادت کودکی ۹ساله تا تخریب بیش از ۱۰۰ واحد

۵

جالش اقتصادی تل آویو در جنگ با ایران

دفاع موشکی پرهزینه

۴

یادداشت

ریاکاری هسته‌ای

و جنگ همه علیه همه



عباس آخوندی

در هفته‌های اخیر، جامعه جهانی شاهد اوج‌گیری نگران‌کننده‌ای بوده است: تروهای هدفمند اسرائیل علیه فرماندهان بلندپایه سپاه پاسداران، دانشمندان و شهروندان ایرانی و در پی آن تهدید آشکار رئیس‌جمهور ایالات متحده به حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران. این تأسیسات، آن‌گونه که باید بر آن تأکید شود، تحت نظارت مؤثر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) هستند و براساس تعهدات ایران در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی)، صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز به کار گرفته می‌شوند. سکوت آژانس و انفعال شورای امنیت سازمان ملل در برابر این تجاوز و تهدیدها نه‌تنها نشانه‌ای از فروپاشی نظم بین‌المللی مبتنی بر قانون است، بلکه گواهی بر شکست‌گیری استاندارد دوگانه‌ای است که باید تمام ملت‌ها، به‌ویژه کشورهای جنوب جهانی را نگران کند. **گزارشی که دروازه خشونت را بشکند**

در ۱۲ ژوئن، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطع‌نامه‌ای سیاسی را بر پایه گزارشی گمراه‌کننده از مدیرکل آژانس، رافائل گروسسی، تصویب کرد؛ گزارشی که نگرانی‌هایی مبهم درباره برنامه هسته‌ای ایران مطرح می‌کرد، بی‌آنکه شواهدی قطعی از تخلف ارائه دهد. با وجود فقدان مستندات معتبر، این قطع‌نامه که عمدتاً از طرف تروئیکای اروپایی به‌علاوه آمریکا هدایت می‌شد، با سرعت به تصویب رسید و با استقبال صریح اسرائیل همراه شد. در کمتر از ۲۴ ساعت، اسرائیل به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران حمله کرد و نتایج‌های همان گزارش و قطع‌نامه را بخشی از توجیه خود اعلام کرد. به‌این‌ترتیب، نهادهی که با هدف تضمین توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای ایجاد شده بود، به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به تهاجم نظامی بدل شد. این صرفاً یک کاستی نهادهی نیست؛ بلکه نقض فاحش اصولی بنیادی است که آژانس بر پایه آنها بنا شده است. آیا گروسسی نمی‌دانست که در حال برپاکردن چه آتشی است؟ **حمله اسرائیل: نقض آشکار حقوق بین‌الملل** حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت پادمان‌های آژانس قرار دارند، نقض آشکار حقوق بین‌الملل و تخطی مستقیم از ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل است که تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور را ممنوع می‌کند. این تأسیسات نه‌تنها عملکردی صلح‌آمیز دارند، بلکه همواره در معرض بازرسی‌های بین‌المللی قرار دارند. هدف قراردادن آنها تنها تجاوز به حاکمیت ایران نیست؛ بلکه حمله‌ای است به بنیان‌های رژیم منع اشاعه.